

فلسفه هگل

در بوته نقد

(بخش اول)

دکتر مجتبه‌ی: اجازه می‌خواهم قبل از دستور رسمی جلسه، مقدمه کوتاهی را عرض کنم: پرفسور هانری کربن، فیلسوف و مستشرق فقید فرانسوی، در جلسه‌ای که با هم صحبت می‌کردیم و من از هگل می‌گفتم، او نظر داد که شخصی مثل من لازم نیست هگل بخواند، بلکه در ایران اگر روزی بتوان آقای آشتیانی را در مشهد علاقمند به مطالعه فلسفه هگل کرد، از طریق تأمل و دقت در تحلیلها و تفسیرهای ایشان در مورد این فیلسوف، می‌توان بدون شک خدمت بزرگی به تفکر فلسفی در ایران کرد. گفتم چطور است من که زبان خارجی می‌دانم و در رشته فلسفه هم خیلی بی استعداد نیستم، چرا نباید هگل بخوانم ولی آقای آشتیانی در این زمینه باید به مطالعه پردازد. جواب کربن البته بسیار کوتاه بود ولی در واقع منتظر ایشان این بود که کسی مثل آقای آشتیانی با آن مقدمات ذهنی و با آن ارشیه فرهنگی و فلسفی که در اختیار دارند، وقتی که هگل بخواند مطالب و بحثهای را عنوان خواهند کرد که به احتمال قریب به یقین برای همه ما چه در غرب و چه در شرق مفید و در خور تأمل خواهد بود.

فکر می‌کنم استادانی که در اینجا حضور دارند هگل را بخوبی می‌شناسند و از کلیات بحث بخوبی آگاهند. من فقط فهرستوار و باصطلاح تلگرافی - اشاره جزئی به چند مطلب می‌کنم. هگل در سال ۱۷۷۰ می‌سال مانده به آخر قرن هیجدهم میلادی متولد و در سال ۱۸۳۱ فوت کرده است؛ یعنی جمماً ۶۱ سال عمر کرده است. او در شهر توینینگ تحصیل کرده و با شلینگ و هولدرلین همکلاس بوده است و قبل از اتمام تحصیل و در ضمن آن به فلسفه کانت توجه فوق العاده‌ای داشته و بهمین سبب بلحاظ عدم دقت در دروس علم کلام مورد مؤاخذه نیز قرار گرفته است.

بعد از اتمام تحصیل تا حدودی از فلسفه کناره گرفته و به مسائل کلامی و زندگینامه بزرگان دین همچون حضرت ابراهیم (ع) و حضرت مسیح (ع) علاقمند شده است و می‌خواسته معنای زندگانی این پیامبران را دریابد که در آن

پس از آغاز دوره باصطلاح روشنگری در اروپا و طرد و رد فلسفه مدرسی (معروف باسکولاستیک) که ریشه فلسفه اسلامی ولی رنگ و بوی مسیحیت کلیسا رومی را داشت، فلسفه و اندیشه در غرب با دکارت به راه نوی افتاد و متفکرانی در اروپا پدید آمدند که در تاریخ فلسفه جدید، نام آنها آمده است.

یکی از مشهورترین آنها فیلسوف آلمانی، هگل (گورگ ویلهلم فردریش هگل) است که فلسفه او بعنوان مجملترین و دشوارترین فلسفه‌ها معرفی می‌شود و بهمین سبب کمتر به میدان مباحثات تطبیقی می‌آید.

نظر به اینکه شاید بتوان فلسفه هگل را عمیقترین و پرمایه‌ترین مکاتب جدید غرب دانست، جا داشت که وارثان فلسفه اسلامی با آن بیشتر آشنا و به ابعاد مثبت و منفی، تواناییها و ناتوانیهای تفکر غربی آگاه گردند و تغییر قرآن مجید، اقوال آنان را استماع نمایند و بهترینها را فرآگیرند و احیاناً در این داد و ستد، فلسفه اسلامی و علو و تفوق آنرا بر دیگر مکاتب اثبات نمایند.

از این رو در میزگردی که به نظر شما خواهد رسید استادان و پژوهشگران دو رشته فلسفه قدیم و جدید، نه در مقابل هم، که در کنار هم نشسته‌اند تا مکتب هگل را در بوته نقد بگذارند و باشناختی که از فلسفه اسلامی و بویژه از حکمت متعالیه صدرالمتألهین، ملاصدرا دارند آنرا تشریح و تبیین نمایند.

* * *

خردناهه - با تشکر از همه اساتید محترم که قدم رنجه فرموده‌اند جلسه برسی و پژوهش درباره مکتب هگل را آغاز می‌کنیم و نخست از جناب آقای دکتر کریم مجتبه‌ی که در این موضوع چند کتاب و رساله نوشته‌اند خواهش می‌کنیم مطلب را آغاز کنند.